



# Strategic model for promoting the legitimacy of the Islamic government based on the ideas of Imam Khomeini and Imam Khamenei

Abbas Barjooei Fard<sup>1</sup>

Zeinab Mohammadi<sup>2</sup>

Article Type: Scientific Research

Received: 2021.7.1

Accepted: 2022.1.9

DOR: 20,1001,1,25381946./SSJ.2022,98246



## Absrtact

The issue of promoting the legitimacy of governments is one of the most important issues for the proper management of government, which has long been of special interest to intellectuals and thinkers of political and social sciences. And continuity is governed as much as possible. The present study is fundamental in terms of purpose and the data analysis of this research has been by thematic analysis method and using MAXQDA software and seeks to find the principles and components of the strategic promotion of Islamic government based on the views and ideas of Imam Khomeini and Imam Khomeini. . After analyzing the content, finally, from a total of 120 bills extracted, a strategic model in the form of five main themes: “unity of the word and national solidarity”, “religious democracy”, “social justice”, “national authority and national security” and “efficiency of the political system”. And 26 subcomponents were organized.

## Key Words

Strategic Model, Political Legitimacy, Islamic Government, Imam Khomeini , Imam Khamenei

1. PhD Student in National Security, Faculty of National Security, Higher National Defense University, Tehran, Iran, sndu.ac.ir@gmail.com

2. Graduated from the Faculty of Law, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran, a.barjooe98@sndu.ac.ir

# الگوی راهبردی ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری

عباس بر جوئی فرد<sup>۱</sup>  
زینب محمدی<sup>۲</sup>

نوع مقاله: علمی پژوهشی

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۰/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱۰



فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، سال ششم، شماره ۴ (پیاپی ۲۲) - زمستان ۱۴۰۰ \* ۱۷۲-۱۵۱

DOR: 20,1001,1,25381946./SSJ.2022,98246

چکیده

مقوله ارتقای مشروعیت حکومت‌ها یکی از مهم‌ترین مباحث حائز اهمیت در جهت اداره مطلوب حکومت است که از دیرباز همواره مورد توجه ویژه روشنفکران و اندیشمندان علوم سیاسی و اجتماعی بوده است. طرح این موضوع از این حیث اهمیت دارد که کسب مشروعیت، تثبیت و تعمیق آن موجب استحکام و استمرار بخشی هر چه بیشتر حکومت می‌شود. تحقیق حاضر، از نظر هدف، از نوع بنیادی بوده و تحلیل داده‌های این پژوهش به روش تحلیل مضمون و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA بوده است و در پی یافتن اصول و مؤلفه‌های راهبردی ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی مبتنی بر آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری است. پس از تجزیه و تحلیل مطالب، در نهایت، از مجموع ۱۲۰ فیش استخراج شده، الگوی راهبردی در قالب پنج مضمون اصلی "وحدت کلمه و همبستگی ملی"، "مردم‌سالاری دینی"، "عدالت اجتماعی"، "اقتدار ملی و امنیت ملی" و "کارآمدی نظام سیاسی" و ۲۶ مؤلفه فرعی سازماندهی گردید.

**واژگان کلیدی:** الگوی راهبردی، مشروعیت سیاسی، حکومت اسلامی، امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری

مقدمه

مشروعیت حکومت‌ها از دیرباز همواره مورد توجه روشنفکران و اندیشمندان علوم سیاسی و اجتماعی بوده است. طرح این موضوع از این حیث اهمیت دارد که ارتقای مشروعیت موجب استحکام و استمرار بخشی هر چه بیشتر حکومت می‌شود و کم‌توجهی به این موضوع می‌تواند زمینه تضعیف بنیان‌های مردمی حکومت را فراهم آورد. ریشه‌های بحث مشروعیت حکومت را در یونان باستان، در آثار افلاطون و ارسطو می‌توان دید و در طی زمان نیز متفکرانی چون سیسرو، آگوستین قدیس،

۱. دانشجوی دکترای امنیت ملی، دانشکده امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

sndu.ac.ir@gmail.com  
a.barjoe98@sndu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکترای فقه و مبانی حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران

توماس آکوئیناس، فارابی، ابن رشد، غزالی، خواجه نظام الملک، ابن سینا و سایر صاحب نظران نیز درباره آن به بحث و بررسی پرداخته‌اند (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۷). مکاتب مختلف هر کدام مبنایی برای این مهم ارائه داده‌اند؛ در این میان، اسلام نیز اصول و مبنایی دارد که باید مورد تحلیل فلسفی قرار گیرد. مبنای مشروعیت آن چنان از اهمیت برخوردار است که در بسیاری از موارد، موجب تمایز یک مکتب از سایر مکاتب گردیده است. آنچه مسلم است، این است که میان دیدگاه فلسفی غرب نسبت به مشروعیت حکومت - با تکیه بر مبنای انسان‌مداری - با آنچه ادیان الهی - به‌طور عام - و دین اسلام - به‌طور خاص - می‌گویند، تفاوت آشکاری وجود دارد. در اندیشه سیاسی اسلام، مشروعیت به معنای منصوب بودن از طرف خداوند و مطابقت با موازین و آموزه‌های دین اسلام است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آرا و اندیشه‌های علمی و عملی فقهای عظیم‌الشان که برگرفته از تعالیم حیات‌بخش اسلام ناب محمدی (ص) و آموزه‌های قرآن کریم بود، وارد مرحله‌ای جدید و کاربردی شد و محور حرکت انقلاب قرار گرفت. نگارش کتاب "ولایت فقیه" توسط امام خمینی (ره) قبل از پیروزی انقلاب، عملاً به‌عنوان الگویی از نظام حکومتی مطلوب برای آینده سیاسی ایران تهیه گردیده و در آن، با بهره‌گیری از ادله فقهی، مبنای مشروعیت حکومت اسلامی تبیین گردید. هدف اصلی این مقاله، ارائه اصول و مولفه‌های راهبردی ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی؛ مبتنی بر آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری است؛ از این رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر، اصول و مؤلفه‌های مشروعیت حکومت اسلامی مبتنی بر آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری است. منبع محقق در این بررسی، مجموعه بیانات و مکتوبات امام خمینی (ره) و مجموعه بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری (۱۳۶۰ تا ۱۳۹۹) در قالب نرم‌افزار حدیث‌ولایت و همچنین، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار معظم‌له بود و به دلیل حجم بسیار زیاد مطالب، با استفاده از نرم‌افزار تحلیل کیفی MAXQDA از روش تحلیل مضمون<sup>۱</sup> استفاده شد.

### پیشینه تحقیق

بررسی‌های به‌عمل‌آمده از تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که در زمینه موضوع ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی، یک پژوهش مستقل وجود ندارد؛ اما برخی از پژوهش‌های صورت گرفته نزدیک به موضوع، به این شرح است:

ابراهیم‌زاده (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "منشأ مشروعیت ولایت فقیه از دیدگاه امام و رهبری؛ با بررسی دیدگاه‌ها در این زمینه"، بیان می‌دارد که در زمینه مشروعیت ولایت و حکومت فقیه در

اسلام، به‌طور کلی، سه قول وجود دارد: ۱. مشروعیت مردمی (نظریه انتخاب)؛ ۲. مشروعیت الهی - مردمی (نظریه تلفیقی)؛ ۳. مشروعیت الهی (نظریه انتصاب).  
 افتخاری و موحدیان (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان "عوامل مؤثر در مشروعیت حکومت ولایت فقیه از منظر امام خمینی"، مشروعیت حکومت فقیه عادل را در گرو دو عامل دانسته‌است: انتصاب الهی در مرحله ولایت بالقوه و نصرت مردمی در مرحله ولایت بالفعل.  
 افتخاری و باباهادی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان "راهبردها و سیاست‌های ارتقای کارآمدی نظام اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری" به دنبال یافتن سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای کارآمدی نظام اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، مجموعه‌ای از سیاست‌ها را تبیین نموده‌اند که با توجه به ماهیت آنها به دو سطح فردی و سازمانی قابل تقسیم هستند.

## مبانی نظری تحقیق

### الگوی راهبردی

الگو<sup>۱</sup> عبارت از کوشش برای ساده‌تر کردن و آسان‌تر فهماندن واقعیت از طریق تنظیم عناصر و وارد کردن نظم در آنها است؛ به‌عنوان مثال، می‌توان طرح منطقی روابطی را که بین برخی از عناصر یک سیستم وجود دارد، به‌شکل یک پیکره در آورد (سورین، ۱۳۸۶: ۶۶). اما الگوی راهبردی<sup>۲</sup> الگویی است که در آن، ابعاد، مؤلفه‌ها و روابط بین آنها در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری برای اداره حکومت در حوزه‌های مختلف تعریف شده‌است و می‌تواند به‌عنوان الگویی برای اداره حکومت در سطح کلان و خرد به کار گرفته شود. در واقع، الگوی راهبردی، نمونه‌ای ذهنی و انسجام‌یافته از اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده یک پدیده راهبردی و چگونگی روابط آن اجزا با یکدیگر می‌باشد (سلمانی قهپازی، ۱۳۸۸: ۱۵).

### حکومت اسلامی

مراد از حکومت اسلامی<sup>۳</sup> حکومتی است که اعمال اقتدار آن در ساختاری معین، به‌منظور تحقق وظایف و اهداف، بر اساس آموزه‌های اسلامی باشد. باید توجه داشت که اگر حکومت، صرفاً قوانینی وضع نماید که در تعارض با احکام دین باشد، حکومت اسلامی مطلوب قلمداد نمی‌گردد؛ بلکه قوانین باید با توجه به موازین و چارچوب‌های کلی شریعت وضع گردند و در مرحله اجرا نیز منطبق بر

1. Pattern
2. Strategic model
3. Islamic government

احکام شریعت بوده و توسط افراد ذی صلاح به اجرا درآیند (شبان نیا، ۱۳۹۰: ۱۰۵). امام خمینی (ره) در نظریات فقهی خود درباره اداره نظام اسلامی و اجرای احکام شرع از استقرار و ایجاد "حکومت اسلامی" یا "دولت اسلامی" نام برده است و در خصوص تمایز حکومت اسلامی از سایر حکومت‌ها، از منظر فقهی نیز "حکومت اسلامی" را متفاوت از "سلطنت" دانسته است: «حکومت اسلامی از بدو تأسیس بر سلطنت و ولایتعهدی خط بطلان کشیده و بساط آن را در صدر اسلام، در ایران و روم شرقی و مصر و یمن برانداخته است» (خمینی، ۱۳۷۴، ۳: ۷). حکومت اسلامی از نوع "استبدادی" و یا "مشروطه سلطنتی" نیست بلکه «حکومت اسلامی حکومت قانون الهی بر مردم است» (همان: ۳۳). بنابراین، نقطه تمایز نظام اسلامی با سایر دولت‌هایی که دارای حکومت‌های استبدادی، مشروطه سلطنتی و یا سایر حکومت‌ها است که از دیدگاه ایشان در «رعایت و اجرای قوانین و مقررات اسلامی» است.

### تعریف مشروعیت<sup>۱</sup>

"مشروع" از ریشه "شرع" بر وزن مفعول است؛ یعنی آنچه که موافق شرع باشد و چیزی که طبق شرع جایز باشد (معین، ۱۳۶۰، ۳: ۴۱۴۴). در لغت‌نامه دهخدا نیز این واژه به معنی «آنچه موافق شرع است» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۰۹۴۹). واژه مشروعیت در متون سیاسی رایج، به معنای "قانونی بودن" یا "طبق قانون بودن" است؛ اما در طول تاریخ، دچار تغییرات شده است و به معنای انطباق با سنت‌ها، قانون اساسی، رضایت و... نیز به کار رفته است (عالم، ۱۳۸۷: ۱۰۵). برای اصطلاح مشروعیت در سیاست، تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است که عموماً فاقد جامعیت لازم می‌باشند؛ اما در بین آنها تعریف مشروعیت به "حقانیت" و "حق حکومت بر مردم" (مصباح، ۱۳۸۵، ۲: ۴۰) را کامل‌تر دانسته‌اند. در تعریفی دیگر، «مشروعیت یک نظام به معنای تطابق رژیم با اجماع عمومی، اساس رابطه یک نظام سیاسی با جامعه است و بدین سان مشروعیت، خود به خود، رابطه مستقیمی با دموکراسی دارد» (نقیب‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۳). بنابراین، "مشروعیت" بدین معناست که چه کسی حق اعمال ولایت دارد. بر اساس این تعریف‌ها، منظور از "حکومت مشروع" حکومتی است که مردم، حاکمیت آن را پذیرفته باشند و اوامر و نواهی او را اطاعت کنند. در تحقیق حاضر، مشروعیت به معنای "حق اعمال ولایت" در نظر گرفته شده است و با اتخاذ همین معنا، در صدد بررسی شناسایی اصول و مؤلفه‌های ارتقای آن برآمده‌ایم.

برخی از تعریف‌های ارائه شده در باب مشروعیت در نگاه کلان، در مکاتب سیاسی به قرار زیر است:

**الف. قانونی بودن یا طبق قانون بودن:** مشروعیت در گذشته، در اروپای سده‌های میانه به همین معنی به کار می‌رفت. سیسرو این واژه را برای بیان قانونی بودن قدرت به کار برد و بعدها واژه‌ه مشروعیت در اشاره به روش‌های سنتی، اصول قانون اساسی و انطباق با سنت‌ها به کار رفته است. بعد از آن هم مرحله‌ای فرا رسید که در آن، عنصر "رضایت" به معنی این واژه افزوده شد و پایه و اساس فرمانروایی مشروع دانسته شد (عالم، ۱۳۸۹: ۱۰۵). ج.ک. رابرت می‌گوید: «مشروعیت همان اصلی است که دلالت می‌کند بر پذیرش همگانی دست‌یافتن شخص یا گروه معینی به مقامی سیاسی، به‌طور کلی از راه اعمال قدرت یا در برخی موارد ویژه، بر این اساس که اعمال قدرت برای دستیابی به آن مقام با برخی اصول و رویه‌های عمومی اجرای اقتدار هماهنگ است».

**ب. حکومت از شایستگی، درستکاری یا خیر اخلاقی:** وقتی حکومت دارای مشروعیت است که مردم تحت فرمان، اعتقاد راستین داشته باشند بر اینکه، ساختار، عملکردها، اقدامات، تصمیمات، سیاست‌ها، مقامات، رهبران یا حکومت از شایستگی، درستکاری یا خیر اخلاقی از حق صدور قواعد الزام‌آور برخوردار باشند (رابرت دال، ۱۳۶۴: ۷۰).

**ج. توجیه عقلی:** مشروعیت یعنی توجیه عقلی "اعمال قدرت حاکم" و اینکه حاکم برای اعمال قدرت خود از چه مجوزی برخوردار است و مردم چه توجیه عقلانی‌ای برای اطاعت از حاکم ارائه می‌کنند. مشروعیت، متضمن توانایی نظام سیاسی در ایجاد و حفظ این اعتقادات است که نهادهای سیاسی موجود، مناسب‌ترین نهادها برای جامعه هستند. مشروعیت ارتباط نزدیکی با مفهوم تعهد و التزام به فرمانبرداری دارد (ونیسنت، ۱۳۷۱: ۶۸ - ۶۷).

### منشأ مشروعیت

درباره "منشأ مشروعیت" یا "ملاک مشروعیت" نظام سیاسی، میان اندیشه‌وران سیاسی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

**۱. مشروعیت فطری و طبیعی:** مشروعیت حاکم از ویژگی‌های فطری است. طبیعت، بعضی را ذاتاً برای فرمانروایی و بعضی را برای فرمانبرداری خلق کرده است. بعضی از متفکران یونان به‌ویژه ارسطو چنین دیدگاهی داشته‌اند (ارسطو، ۱۳۴۴: ۱۰).

**۲. مشروعیت قراردادی (قانونی):** مبنای چنین مشروعیتی، قرارداد واقعی یا فرضی بین مردم و حاکم است. این دیدگاه بعد از قرون وسطی رواج یافت. ژان ژاک روسو در قرن هیجده به بسط و تکمیل آن پرداخت و اضافه نمود که «تنها چیزی که می‌تواند اساس قدرت مشروع و حکومت حقه را تشکیل دهد، قراردادهایی است که با رضایت بین افراد بسته شده باشد» (روسو، ۱۳۶۸: ۴۱).

۳. **خواست و اراده عمومی:** در این دیدگاه، معیار مشروعیت، خواست و اراده اکثریت یا همه مردم است. اگر مردم خواهان حکومت شخص یا گروهی باشند، آن حکومت دارای مشروعیت است؛ بر این اساس، حکومت نامشروع آن است که برخلاف اراده و خواست عمومی حکومت کند. طبق نظر روسو «حکومت در صورتی مشروع است که مبتنی بر اراده عمومی مردم باشد» (هیود، ۱۳۸۳: ۲۱۰).

۴. **مشروعیت کاریزماتیک:** این کلمه یونانی و به معنای "موهبت" است. این مشروعیت بر ویژگی‌های فردی شخص تکیه دارد. به گفته ماکس وبر، مجموعه‌ای از صفات و کشش‌های خارق‌العاده است که دیگران را به فرمانبرداری و شخص حاکم را به فرماندهی و امی دارد (وبر، ۱۰۹). این نوع مشروعیت با مشروعیت ذاتی، قابل انطباق است.

۵. **مشروعیت الهی:** حکومت مشروعیت خود را از خداوند می‌گیرد. اگر خداوند به کسی حکومت داد، او حق حاکمیت دارد. حکومت‌های دینی بر اساس نظریه مشروعیت الهی شکل می‌گیرند و در میان جوامع متدین، چنین نوع حکومتی کارآمد است. در طول تاریخ، بعضی از حکومت‌های ظالم به غلط، خود را به خداوند منتسب می‌کرده‌اند (خمینی، ۱۳۷۴: ۹۳).

### مشروعیت نظام سیاسی<sup>۱</sup>

در مطالعات علوم سیاسی، در خصوص مفهوم مشروعیت نظام سیاسی تعریف‌های متفاوتی مطرح شده است و به عنوان یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم، مورد توجه محققان رشته‌های علوم سیاسی، اجتماعی و جامعه‌شناسی قرار گرفته است. مشروعیت سیاسی یکی از بنیادهای اساسی هر نظام سیاسی به شمار می‌رود که در دوام و بقای یک نظام سیاسی نقشی اساسی را ایفا می‌نماید. به نظر می‌رسد که بسیاری از تعاریف، بر رضایت قلبی جامعه از سیستم سیاسی دلالت دارد: «مشروعیت قانونی بودن یا طبق قانون بودن است» (عالم، ۱۳۸۹: ۱۰۵). بر اساس این تعریف، یک حکومت باید بر اساس قانون و سازوکارهای قانونی قدرت را در دست گرفته باشد؛ نه از مجرای خشونت و زور. مشروعیت سیاسی عبارت است از: «پذیرش قلبی حکومت، حاکمان و نظام سیاسی از طرف حکومت‌شوندگان» (نقیب‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۴). پذیرش قلبی مردم زمانی حاصل می‌گردد که شکل موجود سلطه سیاسی، با ارزش‌ها و باورهای عمومی جامعه هم‌سوئی داشته باشد (همان). «مشروعیت یک نظام به معنی مطابقت نظام سیاسی یک کشور با ارزش‌های مقبول آن جامعه است» (نقیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۹). مشروعیت نه صرفاً به قانونیت دولت از نظر حقوقی بلکه به پذیرش اجتماعی آن از جانب اتباع مربوط می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۶: ۴۲). از مجموع تعاریف برمی‌آید که مشروعیت سیاسی بیشتر

1. Legitimacy of the political system

به معنی رضایت قلبی شهروندان از نظام سیاسی است. تنها سازوکارهای حقوقی و قانونی بسنده نیست، بلکه علاوه بر سازوکارهای قانونی، مردم و شهروندان به لحاظ اجتماعی هم باید نظام سیاسی و کارگزاران سیاسی را پذیرفته و از آن حمایت نمایند؛ بنابراین، مشروعیت سیاسی برای یک نظام سیاسی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. مشروعیت سیاسی بازگوکننده این واقعیت است که مردم یک جامعه، چرا یک نظام سیاسی را می‌پذیرند و چرا از آن اطاعت می‌نمایند.

### مشروعیت حکومت اسلامی

مشروعیت در نگاه فلسفه، کلام و فقه اسلامی به معنای مطابقت با موازین و آموزه‌های شریعت اسلام است؛ یعنی حکومت و حاکمی مشروع است که دارای پایگاه دینی باشد. در ادبیات سیاسی رایج، مشروعیت به معنای "پذیرش حق اعمال قدرت از سوی شهروندان" است اما از نگاه اسلام، مشروعیت نظام سیاسی دقیقاً در تعریف مذکور جای نمی‌گیرد بلکه مشروعیت نظام سیاسی به شریعت آن گره می‌خورد؛ بنابراین، تفاوت اساسی میان تعریف مشروعیت از نگاه ادبیات رایج در علوم سیاسی و از منظر تفکر اسلامی مشاهده می‌شود (لاریجانی و غلامی ابرستان، ۱۳۹۰: ۶۵). با نگاهی به مباحث مطرح در این حوزه، می‌توان دیدگاه‌های ناظر به مشروعیت حکومت را به دو دسته کلی تقسیم کرد:

الف. دیدگاه‌هایی که نقشی برای مردم در مشروعیت به معنای حقانیت قائل نیستند و مشروعیت تکوینی، مشروعیت تغلیبی و مشروعیت الهی را در برمی‌گیرند؛

ب. دیدگاه‌هایی که برای مردم نقشی در مشروعیت به معنای حقانیت قائل‌اند که می‌توان دیدگاه مشروعیت مردمی و مشروعیت مجموعی را در این دسته قرار داد.

شمار بسیاری از فقهای شیعه از طرفداران نظریه مشروعیت الهی هستند که در اصطلاح از آن به "نظریه انتصاب به وصف، نه به اسم" تعبیر می‌کنند (خمینی، ۱۳۷۸، ۶: ۵۹). بر این اساس، حکومتی که پای‌بند به موازین شرعی و الهی باشد، حقانیت دارد. در فرمایشات مقام معظم رهبری آمده است: «امیرالمؤمنین (ع) در نهج‌البلاغه منشأ حکومت را زور و اقتدار نمی‌داند و خود او هم در عمل این را ثابت می‌کند. از نظر ایشان، منشأ اصلی حکومت، یک سلسله ارزش‌های معنوی است؛ ... او حکومت و ولایت امر مردم را ناشی از یک ارزش معنوی می‌داند اما فقط این ارزش معنوی هم کافی نیست برای اینکه انسان فعلاً و عملاً حاکم و والی باشد؛ بلکه مردم هم در اینجا سهمی دارند و آن بیعت است ... بیعت منجزکننده حق خلافت است؛ آن ارزش‌ها آن وقتی می‌تواند فعلاً و عملاً کسی را به مقام ولایت امر برساند که مردم هم او را بپذیرند و قبول کنند؛ که این مسئله در باب



نقش مردم در حکومت باز مورد توجه قرار می‌گیرد» (بیانات، ۱۳۶۰/۰۲/۲۹).

### روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر، برای دستیابی هرچه بهتر به مطلوب، از فرآیند تحلیل مضمون استفاده شده است. تحلیل مضمون، یک پژوهش کیفی و فرآیندی برای تقلیل و تحلیل داده‌ها است (کمالی، ۱۳۹۷: ۱۹۱-۱۹۲). در این پژوهش، با بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA (نرم‌افزار تحلیل کیفی) داده‌های متنی پراکنده و متنوع، به داده‌هایی غنی و تفصیلی برای شناخت و تحلیل الگوی موجود در آنها تبدیل می‌شود. برای دستیابی به نتیجه مفید در تحقیق‌های کیفی، لازم است که داده‌های پژوهش به صورت روشمند، بررسی و تحلیل شوند. تحلیل داده‌ها مرحله‌ای حیاتی از تحقیق کیفی می‌باشد که مستلزم اقدام اساسی برای گردآوری داده‌ها و مرتبط کردن آنها با مفاهیم انتزاعی سطح بالاتر است (جمال‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۰۷).

برخلاف روش‌های کیفی مانند تحلیل گفتمان، تحلیل محتوا، نظریه داده‌بنیاد و روش‌های مشابه آنها، تحلیل مضمون به چارچوبی نظری که از پیش وجود داشته باشد، وابسته نیست و از آن می‌توان در چارچوب‌های نظری متفاوت و برای امور مختلف استفاده کرد (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۸-۱۵۱). محصول تحلیل مضمون، توصیف مفاهیم و الگوهای مهم موجود در متن و ارائه آنها در قالب طرحی کلان و یکپارچه است. برای تشریح چگونگی این الگوها می‌توان از شبکه مضامین بهره برد. شبکه مضامین حاصل نظام‌مند کردن سه سطح از مضامین - مضامین فراگیر، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین پایه‌ای - و ایجاد و نمایش رابطه میان آنهاست. با توجه به مطالب بیان شده، ویژگی‌های تحلیل مضمونی را می‌توان شامل موارد زیر دانست: ۱. روشی بسیار سودمند در یافتن بزنگاه‌های معنایی در متن یا مجموعه‌ای از متون؛ ۲. تکیه بر دریافت‌ها، احساسات و تجارب صاحب سخن؛ ۳. اهمیت این روش درباره متون و داده‌هایی با حجم زیاد؛ ۴. به دست آوردن مهم‌ترین مفاهیم درون متن با استفاده از جزءبندی، مقوله‌بندی، خلاصه‌سازی و بازسازی؛ ۵. تسهیل جستجوی الگوهای موجود در متن (جمال‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۰۷).

### شناسایی مضمون پژوهش

هر متن یا داده، دارای طرح‌ها و مفاهیمی است که در صورت فهم درست آنها می‌توان ساختار و چارچوب اصلی متن را به دست آورد. "مضمون" در بردارنده نکته‌ای مهم درباره داده‌های مرتبط با پرسش پژوهش است و مفهوم و معنایی عمیق از داده‌ها را بازنمایی می‌کند که حاصل کشف

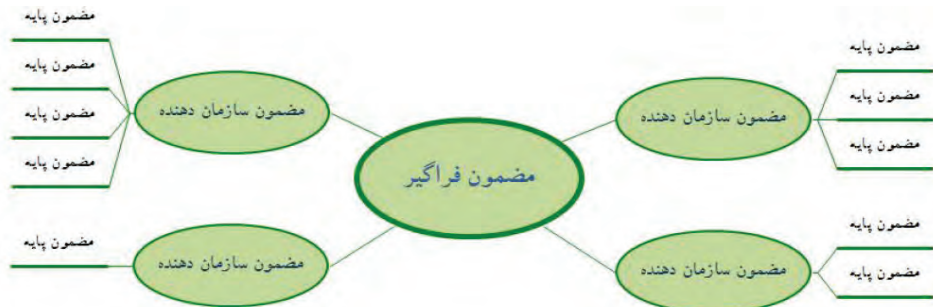
الگوی منظمی در روابط میان آنهاست. «مضمون یک طرح و اصل عینی نظام‌مند است که در حول و حوالی آن، جهان نویسنده میل دارد خود را سازمان داده و بسط پیدا کند. اساس در آن، همان ارتباطات پنهانی است، آن هویت پنهانی و مخفی که باید از پوشش ساختاری که آن را دربر گرفته است، بیرون کشید و آشکار کرد. مضمون‌های اصلی یک اثر، معماری پنهان آن را به وجود می‌آورند و باید بتوانند کلید نظام آن را به ما بدهند. مضامین، اغلب، در اثر، توسعه داده و از سر گرفته می‌شوند. تکرار و از سر گیری، از دغدغه‌های ذهنی ناخودآگاهی نویسنده خبر می‌دهد» (معین، ۱۳۹۴: ۸۶).

با توجه به تعریفی که از مضمون ارائه دادیم، روشن شد که برخی از مضامین به صورت آشکار در متن وجود دارند و برخی را با مذاقه در متون باید یافت ولی پرسش اصلی این است که «مضمون چه ویژگی‌هایی دارد و از کجا باید آن را شناسایی کرد؟»؛ با اینکه در تحقیق‌های کیفی نمی‌توان پاسخی روشن و صریح ارائه داد اما می‌توان ویژگی‌هایی را نام برد که راهنمایی مناسب برای ما باشند. در شناخت مضمون، توجه به برخی از ویژگی‌های موجود در متن می‌تواند به شناخت مضامین یاری رساند که برخی از آنها عبارت‌اند از: توجه به کلمات تکراری، توجه به کلمات مکنون، توجه به کلمات کلیدی، مقایسه و هم‌سنجی، کاوش موضوع‌های مهم، جستجوی اطلاعات مفقود (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

### عناوین و طبقه‌بندی مضامین پژوهش

طبقه‌بندی متفاوتی درباره مضامین ارائه شده است؛ برای نمونه، بر اساس مواردی مانند زمان شناخت مضمون، ماهیت مضمون در متن، سلسله‌مراتب مضمون در قالب مضامین، جایگاه مضمون در شبکه مضامین، قابلیت مشاهده مضمون در متن، منشأ شناسایی مضمون، نقش مضمون در تحلیل و تثبیت موقعیت مضمون، مضامین را طبقه‌بندی کرده‌اند. یکی از پرکاربردترین روش‌های آن، طبقه‌بندی با توجه به جایگاه مضمون در شبکه مضامین است: ۱. فراگیر یا کانون شبکه؛ ۲. سازمان‌دهنده یا واسطه؛ ۳. پایه یا نکات کلیدی متن (جمال‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۹).

## شکل ۱. دسته‌بندی و طبقه‌بندی مضامین



(منبع: جمال‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۹)

## فرآیند تحلیل مضمون پژوهش

برای انجام پژوهشی با روش تحلیل مضمونی، سه مرحله اساسی را باید پشت سر گذاشت: نخست، تجزیه متن و سپس بررسی متن و کدگذاری و در مرحله نهایی، بازسازی و تولید گزارش نهایی. برخی از محققان مانند براون و کلارک (۲۰۰۶)<sup>۱</sup>، فرآیند تحلیل مضمون را در شش مرحله توضیح داده‌اند: ۱. آشناسدن با داده‌ها؛ ۲. ایجاد کدهای اولیه؛ ۳. جستن به دنبال مضمون‌ها میان کدها؛ ۴. بازبینی مضمون‌ها؛ ۵. تعریف و نام‌گذاری مضمون‌ها؛ ۶. تولید گزارش نهایی.

## چارچوب تحلیلی پژوهش

روش تحلیل مضمون، یکی از روش‌های پژوهشی روی متون است و اغلب، هنگامی کاربرد دارد که با حجمی عظیم از داده‌ها روبه‌رو باشیم. با استفاده از این روش، داده‌های متن کاهش یافته، بخش‌بندی، مقوله‌بندی و تلخیص می‌شوند و سپس به گونه‌ای بازسازی می‌شوند که مفاهیم و مؤلفه‌های موجود در متن از درون داده‌ها استخراج شوند. این روش، شیوه‌ای برای شناسایی، تحلیل و گزارش در درون داده‌هاست؛ با استفاده از این شیوه، دست کم داده‌ها با جزئیات غنی سازمان یافته و توصیف می‌شوند (Boyatzis, 36: 1998). در تحلیل مضمون برخلاف گراند تئوری<sup>۲</sup> به دنبال توسعه نوعی تبیین روایتی یا نظریه نیستیم بلکه هدف، استخراج الگو یا مدلی مفهومی

1. Braun & Virginia  
2. Grounded Theory

است که در دل متن نهفته است و ضرورتی برای صورت‌بندی نظریه جدیدی برای توصیف یافته‌ها وجود ندارد؛ پس روش تحلیل مضمون علاوه بر اینکه به پژوهشگر امکان می‌دهد که مضامین موجود در متن را بررسی و استخراج کند و می‌تواند به الگویی نظام‌مند از مضامین و روابط میان آنها نیز منتج شود. این مقاله قصد دارد با کمک مضامین و مفاهیم به دست آمده از آرا و اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، به شبکه‌ای از مضامین اصول و مؤلفه‌های ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی برسد که در نهایت، این شبکه، چارچوب تحلیلی مقاله را تشکیل خواهد داد.

### تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

هدف اصلی این مقاله، استخراج اصول و مؤلفه‌های ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی مبتنی بر آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری است که برای تحقق این هدف، از روش تحلیل مضمون بهره گرفته شده است. با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه و سابقه پژوهشگران در حوزه اندیشه رهبری، ابتدا فیش‌های مربوط به موضوع روشن فکری، به صورت کلی، احصا و استخراج شد که بالغ بر صد ۱۰۰ فیش با درجه ارتباط "بالا" و "بسیار بالا" گردآوری شد. با فراخوانی فیش‌ها در نرم‌افزار MAXQDA و انجام کدگذاری اولیه، تعداد ۲۶ مضمون پایه‌ای و ۲۶ فیش با درجه ارتباط "بسیار بالا" برای پژوهش حاضر انتخاب شدند.

## جدول شماره (۱): مضامین پایه ای و فیش های مرتبط با آنها

ردیف	فیش ها مضامین مرتبط با موضوع پژوهش، جمع آوری شده	مضامین پایه ای	کد
۱	عوامل و عناصر قدرت و اقتدار را برای این نظام به وجود بیاورد. یکی از عناصر اقتدار علم است. یکی از عناصر اقتدار توانایی های نظامی است. یکی از عناصر اقتدار توانایی نفوذ در افکار و اندیشه های ملت های دیگر است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۹/۰۱) این سه عنصر اگر مورد توجه قرار گرفتند، یک ملت قوی می شود: یکی اقتصاد، یکی فرهنگ، و سومی علم و دانش. (همان، ۱۳۹۱/۱/۰۱)	ایجاد عناصر اقتدار ملی (قدرت)؛ اقتصادی، نظامی، فرهنگی-اجتماعی، سیاسی، علمی-فناوری	K1
۲	یکی دیگر از مبانی [مشروعیت] محور بودن مردم است که وقتی ما مردمی بودن را و محور بودن مردم را با اسلام همراه می کنیم، ترکیب آن می شود جمهوری اسلامی؛ جمهوری اسلامی یعنی این: مردم محورند، مقاصد برای مردم است، هدفها متعلق به مردم است، منافع مال و ملک مردم است، اختیار در دست مردم است؛ اینها مردمی بودن است؛ رأی مردم، خواست مردم، حرکت مردم، عمل مردم، حضور مردم و شرافت مردم در نظام جمهوری اسلامی. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۲/۱۴)	افزایش مشارکت مردمی و محور قرار گرفتن مردم در اداره جامعه	K2
۳	یکی از اساسی ترین کارها حفظ اتحاد و وحدت کلمه است. اتحاد ملت مرابف باشد به خاطر اختلاف نظرهای کوچک و اختلاف سلیقه های کوچک، در مقابل هم قرار نگیرند. بدانند که قدرت این ملت در اتحاد است؛ اتحاد آحاد مردم، اتحاد گروه های اجتماعی کوچک و بزرگ. اتحاد اقوام مختلفی که در کشور زندگی می کنند، اتحاد مسئولین کشور با مردم، مردم با مسئولین کشور؛ این است که به این کشور اقتدار میبخشد و تا حالا اقتدار بخشیده و بحمدالله این اقتدار هست؛ این [اقتدار] را حفظ کنند. (مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۹۸/۲/۱)	قدرت در حفظ اتحاد و وحدت کلمه	K3
۴	مسئله بعدی که جزو تجربیات ما است که شما این را هم بایستی در مدیریت کشور و اداره ی کشور و مدیریت منافع و مضار و فرصتها و تهدیدها در نظر بگیرید، مسئله ی اقتدار نظامی و امنیتی کشور است. خیلی مهم است؛ این جزو مسائلی است که باید حتماً مورد توجه قرار بگیرد. بعضی از مسئولین ما مستقیماً مسئولین نظامی و امنیتی هستند که رعایت های لازم و وظایف لازم بر عهده ی آنها است و خوب کارهای خوبی هم دارد انجام میگیرد. بخش عمده ی از مسئولین کشور کسانی هستند که [بهر طور] مستقیم، ارتباطی با مسائل امنیتی و نظامی ندارند، لکن غیر مستقیم میتوانند تأثیرگذار باشند؛ اینها باید حتماً به این نکته توجه کنند؛ یعنی واقعاً بایستی عوامل اقتدار کشور را حفظ کرد؛ عوامل اقتدار کشور را، نیروهای مسلح را، سپاه را، بسیج را، عناصر مؤمن و حزب اللهی را، من این را به شما عرض کنم، آن که سینه سپر میکند، در مقابل دشمن در بخشهای مختلف می ایستد، شرایط سخت را تحمل میکند، او همان عنصر مؤمن و انقلابی و اصطلاحاً حزب اللهی است؛ او است که می ایستد؛ اینها را باید نگه دارند. (مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۹۷/۷/۱۲)	توسعه و تعمیق عناصر اقتدار ملی و امنیت ملی	K4
۵	ما مردم سالاری دینی را مایه ی رشد میدانیم، مایه ی توسعه میدانیم؛ هم توسعه ی معنوی، هم توسعه ی مادی، مردم سالاری دینی ارزش بسیار والایی است که ما برای دنیا و آخرت مردم از آن بهره مند شده ایم. (مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۹۶/۱/۲۴)	توسعه ی مردم سالاری دینی مایه ی رشد و توسعه مادی و معنوی	K5
۶	آنچه از پیامها و آثار شفاهی و مکتوب حضرت امام بر می آید، این است که ایشان در مواردی با وجود آنکه می دانستند ممکن است مردم در انتخابات دچار اشتباه شوند، اما مستقیم دخالت نمی فرمودند و با صراحت مردم را تصمیم گیران نهایی تمامی مسائل ذکر می کردند (صحیفه امام؛ ج ۱۶، ص ۱۵۹)، و سیاست خویش را بر مبنای آزادی، استقلال و حفظ منافع مردم می دانستند که هیچ چیز را فدای آن اصل نمی کردند. (همان؛ ج ۴، ص ۲۴۴).	تصمیم گیران نهایی تمامی مسائل مردم در نظام اسلامی	P6
۷	معیار قضاوت و ارزش گذاری درباره ی کارآمدی یا ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی نباید معیارهای غربی باشد؛ چون آنها فرهنگ دیگری دارند و به دنبال اهدافی کاملاً مغتولت یا اهداف ما هستند. کارآمدی یا ناکارآمدی یک نظام را باید با اهداف خود سنجید، نه با اهداف دیگران. بزرگترین دلیل «کارآمدی نظام»، استمرار و بقای آن است و اگر نظام اسلامی ناکارآمد بود، تاکنون بلعیده شده بود. (مقام معظم رهبری، بیانات دیدار جمعی از دانشجویان - ۱۳۹۶/۲/۱۷)	معیار قضاوت و ارزش گذاری درباره ی کارآمدی یا ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی نباید معیارهای غربی باشد	K7
۸	آن عاملی که انقلاب (اسلامی ایران) را به پیروزی رساند، همان عامل (این) انقلاب را تداوم خواهد داد؛ یعنی اتکال به خدا و ایمان مردم به اسلام و تصمیم قاطع بر انجام وظیفه الهی و اسلامی و وحدت کلمه، رمز پیروزی و تداوم انقلاب است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۴/۲۱).	پیوند مستقیم وحدت کلمه و همبستگی ملی	K8

K9	قدرت کشور در خودکفایی است؛ اقتدار کشور، آبروی کشور در خودکفایی است؛ باید توانیم از کان لازم نیازهای خودمان را خودمان تهیه کنیم. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۲/۲۴)	قدرت و اقتدار کشور در خودکفایی است
K10	انسجام و اتحاد بین مسئولین اداری کشور و مدیریت کشور همیشه لازم است (مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۹۷/۶/۰۷)، مسئولین کشور مراقب باشند که این اتحاد را زیاد کنند نه قوه یا همدیگر کار کنند و هم‌افزایی کنند؛ مخصوصاً رؤسای سه قوه، اگر چنانچه این هم‌افزایی، این اتحاد، این همکاری انجام بگیرد، مطمئناً این اتحاد ملی روزبه‌روز قوی‌تر خواهد شد. همان، ۹/۲۶/۱۳۹۹)	همگرایی و هم‌افزایی سه قوه در جهت اتحاد و انسجام ملی
K11	مشروعیت همه‌ی ما بسته به انجام وظیفه و کارایی در انجام وظیفه است، هرچا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت. (مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۸۲/۶/۳۱) توجه به اثربخشی و کارایی در فرایندها و روش های اداری به منظور تسریع و تسهیل در ارائه خدمات کشوری (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۰۱/۳۱)	ارتقای اثربخشی و کارایی اداری (اثربخشی عینی عملکرد)
K12	کارآمدسازی و مهندسی ساختارها و شیوه‌های نظارت و کنترل در نظام اداری و یکپارچه سازی اطلاعات (مقام معظم رهبری، سیاست‌های کلی نظام اداری، ۱۳۸۹/۰۱/۳۱)	کارآمدسازی ساختارهای نظارتی اداری
K13	دشمنان به‌شدت در تلاشند که باکارآمدی نظام اسلامی را التها کنند، امروز یک جریان تبلیغاتی آشکار در دنیا وجود دارد که عمده تلاش آن برای این است که نظام و به تبع نظام، دولت را ناکارآمد جلوه دهد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۰۶/۰۴)	شناخت توطئه دشمن در ناکارآمد نشان دادن کشور (مقابله با جنگ روانی)
K14	به نظر ما عدالت، کاهش فاصله‌های طبقاتی است. کاهش فاصله‌های جغرافیایی است، این‌جور نباشد که اگر منطقه‌ای در نقطه‌ی جغرافیایی دور از مرکز کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد اما آنجایی که نزدیک است، برخوردار باشد، این عدالت نیست. هم فاصله‌های طبقاتی باید برداشته شود، فاصله‌های جغرافیایی باید برداشته شود و هم برابری در استفاده‌ی از امکانات و فرصت‌ها باید به وجود آید. ۳٪ مقام معظم رهبری، بیانات، در اجتماع زائران مشهد مقدس ۱۳۸۸/۰۱/۰۱)	کاهش فاصله‌های طبقاتی و جغرافیایی و برابری در استفاده‌ی از امکانات و فرصت‌ها
P15	مدیریت های کارآمد، دلسوز و متعهد را نیز می توان از شرایط ناآوری و شکوفایی دانست، چرا که بدون برخورداری از چنین مدیریتی دستیابی به ناآوری و شکوفایی ناممکن می شود(رهنمودهای امام خمینی، ۱۳۶۹).	استفاده از مدیریت های کارآمد، متخصص و متعهد (شایسته سالاری)
P16	با اعتصاب بحبل الله پیشرفت کردیم و خواهیم کرد، تاین وحدت کلمه نباشد و نا توجه به اسلام نباشد، نمی توانیم پیشرفت کنیم، مسائل به حسب علمی و به حسب کلی معلوم است، لکن عمده این است که ما دنبال این مسائل معلوم عمل کنیم. (رهنمودهای امام خمینی، ۱۳۶۹).	مبتنی بودن پیشرفت و توسعه به وحدت کلمه و اسلام
P17	یکی از مسائل مهم ما مسئله اقتصادی است. ما باید سعی کنیم که از حجت اقتصاد قوی و بدون وابستگی باشیم و باید مسئله کشاورزی، بیشتر مورد نظر باشد، البته به طرف صنعت هم باید رفت. (رهنمودهای امام خمینی (ره)، مجله حوزه، سال هفتم، شماره ۲۸-۲۷، باعث مسرت است که ملت مسلمان ایران با هم این تجربه‌ها و مشکلات مقابله کرد و به جای دست دراز کردن به سوی سایر کشورهای پیشرفته برای کمک، شروع به ساخت هم چیزهای مورد نیاز خود نمود(امام خمینی(ره) ماهنامه حضور، شماره ۳۰، ص ۳۸۴).	راهبرد خودکفایی و قوی شدن در حوزه اقتصاد، کشاورزی و صنعت
K18	باید هم علم را بیاموزیم و هم علم را تولید کنیم. ما باید یک کشور عالم بشویم. در یک روایتی از امیرالمؤمنین نقل شده است که فرمود: «لعلم سلطان، من ووجه صال و من لم یجده صبل علیه» یعنی علم اقتدار است، علم مساوی است با قدرت؛ هر کسی که علم را پیدا کند، می‌تواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که عالم باشد، می‌تواند فرمانروایی کند(مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۰۱/۰۱).	علم تولید اقتدار و قدرت می‌کند(اقتدار علمی)
K19	یک نکته‌ی مهم، انسجام مردم و دستگاه‌های مدیریتی کشور است. مردم بایستی با دستگاه‌های مدیریتی کشور چه دستگاه قضایی، چه قوه‌ی مجریه، چه بقیه‌ی دستگاه‌ها (ارتباط پیدا کنند؛ انسجام، البته بخش مهمی از این اعتمادسازی به عهده‌ی خود دستگاه‌ها است؛ یعنی خود دولت، خود قوه‌ی قضائیه، خود دستگاه‌های دیگر بایستی رفتارشان، عملشان چوری باشد که جلب اعتماد بکنند؛ هیچ دولتی هم بدون کمک و پشتیبانی مردم قادر به کار نیست. نه دولت ما و نه هیچ دولتی در دنیا، ما نباید کاری کنیم که این پشتیبانی و اعتماد مردم نسبت به دستگاه‌های دولتی و دستگاه‌های اجرایی کشور چه در بخش قضایی، چه در بخش قوه‌ی مجریه و بقیه‌ی بخشها (مانند) نیروهای مسلح - سلب بشود. (مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۹۷/۶/۱۵).	انسجام و همبستگی مردم و دستگاه‌های مدیریتی نظام سیاسی
K20	علم، عامل ایجاد اقتدار اقتصادی، آبرو و کرامت ملی در چشم جهانیان است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۵/۱۵)	علم، عامل ایجاد اقتدار اقتصادی، سیاسی و آبرو و کرامت ملی است

P21	تدوین قوانین در نظام اسلامی باید بر منای عدالت اجتماعی باشد.	تأکید امام(ره) بر عدالت‌های بودن قانون و فقه، به واسطه همین نگاه مبتنی بر عدالت است که امام(ره) معتقد است که قانون و فقه نیز باید مبتنی بر عدالت باشد و مجموعه قوانین و احکام باید زمینه‌ساز تحقق عدالت باشند؛ «احکام شرعی قوانین اسلام هستند و این احکام ثانی از شئون حکومت می‌باشند، بلکه احکام مطلوب بولعروض و اموری ابراری هستند برای اجرای حکومت و گسترش عدالت» و «همانا اسلام برای تأسیس حکومت عادلانه‌ای قیام کرد که در آن قوانین مربوط به مالیات و بیت‌المال و اخذ آن از تمامی طبقات بر اساس عدالت باشد و قوانین مربوط به جزا و قوانین مربوط به جزا و قوانین مربوط به قضا و حقوق بر اساس عدالت باشد.» (امام خمینی، کتاب البیع، ج. ۲، ص ۲۷۲)	۲۱
K22	- پیاده سازی عدالت اجتماعی، مبارزه با ظلم و مبارزه با فساد است.	یکی اصولی بر هم این نظام بر منای انقلاب به وجود آمده‌است، عدالت اجتماعی، برداشتن فاصله‌های زیاد بین قشرهای مختلف مردم است [در این زمینه البته کم‌کاری داریم، عقب‌ماندگی داریم، کاری که باید در این زمینه انجام بگیرد آن‌چنان‌که شایسته و بایسته و لازم بوده انجام نگرفته؛ باید بجد دنبال این باشیم و بدانید که به توفیق الهی دنبال این هستیم و از این قضیه صرف‌نظر نخواهیم کرد؛ این یکی از پایه‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی است، البته راهش مبارزه با ظلم و مبارزه با فساد است.] (مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۹۶/۱۱/۱۹)	۲۲
K23	- پایه‌ی مشروعیت وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت‌خواهی - پابندی نظام اسلامی به آرمان عدالت اجتماعی	مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت‌خواهی است، این، پایه‌ی مشروعیت است، (مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۸۲/۰۶/۳۱) بلکه ما عرض کردیم باید به آن آرمانها بایند بود، باید دنبال عدالت اجتماعی بود، دنبال حمایت از محرومین بود، دنبال حمایت از مظلوم بود، با ظلم و مستکبر باید مقابله کرد، زیر بار او نرفت، اینها همه مطالبات اسلامی است، اسلام اینها را از ما خواسته است؛ این‌چنین است که فقط یک محاسبه‌ی عقلانی و انسانی باشد؛ تکلیف دینی است، هرکسی این چیزها را از اسلام جدا کند، اسلام را شناخته است؛ هرکسی حوزه‌ی معرفتی اسلام را و حوزه‌ی عملی اسلام را از محیط زندگی اجتماعی مردم و سیاسی مردم دور کند، بلاشک اسلام را شناخته است. (مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۹۵/۰۲/۱۴)	۲۳
K24	- افزایش مشارکت سیاسی مردم در همه شئون نظام	مردم‌سالاری یعنی از اول، تعیین نظام با رأی مردم؛ تعیین آن کسانی که باید بنشینند قانون اساسی را تنظیم کنند [یعنی] خیرگان قانون اساسی با رأی مردم؛ بعد که قانون اساسی تنظیم شد به وسیله‌ی منتخبین مردم، خود آن قانون اساسی باز در معرض رأی مردم؛ قوه‌ی مقننه، قوه‌ی اجرائیه، شوراهای گوناگون، خود رهبری، با رأی مردم؛ خیرگان رهبری را مردم معین می‌کنند، آنها آن وقت یک رهبری را انتخاب میکنند؛ یعنی همه چیز برمی‌گردد به رأی مردم؛ این [اجور] آذاره‌ی کشور، معنای حکومت مردمی است] (مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۹۸/۱۱/۱۶)	۲۴
K25	- پاسخگویی مسئولین در مقابل مسؤولیت	مسئولین، خودشان را در معرض نقد و انتقاد قرار بدهند و پاسخگو باشند و پاسخ بدهند و تبیین کنند، خیلی از اوقات اگر چنانچه یک انتقادی به کسی بشود، این فرصتی است برای او که بتواند ذهن‌ها را روشن کند، تبیین کند، حقیقت را بیان کند، خیلی چیز خوبی است. (مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۸۸/۰۳/۲۹)	۲۵
K26	- افزایش مشارکت و رأی مردم پایه‌ی مشروعیت نظام اسلامی (مردم‌سالاری)	در تفکر دینی، اساس حاکمیت دین و نفوذ دین و قدرت دین، در اعمال آن روش‌ها خود برا رسیدن به اهدافش چیست؟ تکیه اصلی به چیست؟ به مردم است. تا مردم نخواهند، تا ایمان نداشته باشند، تا اعتقاد نداشته باشند، مگر می‌شود؟ - در قانون اساسی، توزیع قدرت به نحو مطلق و صحیح وجود دارد و همه مراکز قدرت هم، مستقیم یا غیرمستقیم یا آرای مردم ارتباط دارند و مردم تعین نکنند و تصمیم گرفته‌اند و اگر مردم حکومتی را نخواهند، این حکومت در واقع پایه مشروعیت خود را از دست داده است] (مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۷۷/۱۲/۰۴)	۲۶

(منبع: برگرفته از بیانات و سیاست‌های ابلاغی امام خمینی و مقام معظم رهبری)

## دسته‌بندی و نام‌گذاری مضامین پژوهش

در این مرحله، مضامین پایه‌ای با درجه اهمیت و ارتباط بالای احصاشده در مرحله پیشین، با توجه به میزان ارتباط و همبستگی میان آنها دسته‌بندی شده و پنج مضمون سازمان‌دهنده، تولید و نام‌گذاری شد (جدول شماره ۲).

## گزارش و توصیف نتایج پژوهش

پس از طی مراحل تبدیل متن به جملات و مضامین، دسته‌بندی و نام‌گذاری مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر، در این مرحله به مفصل‌بندی دوباره و جدید و در نهایت، تولید گزارش نهایی پرداخته شده‌است.

جدول شماره (۲): مضامین سازمان دهنده و مضامین پایه ای پژوهش

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده (اصول)	کد مضمون	مضامین پایه ای پژوهش
تدوین الگوی راهبردی ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی؛ مبتنی بر آراء و اندیشه‌های حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری	۱) اصل وحدت کلمه و همبستگی ملی	P16	مبتنی بودن پیشرفت و توسعه به وحدت کلمه توجه به اسلام
		K10	همگرایی و هم‌افزایی سه قوه در جهت اتحاد و انسجام ملی
		K8	تأثیر مستقیم وحدت کلمه و همبستگی ملی
		K19	انسجام و همبستگی مردم و دستگاه‌های مدیریتی کشور
		K3	قدرت در حفظ اتحاد و وحدت کلمه
	۲) اصل مردم سالاری دین	K2	افزایش مشارکت مردمی و محور قرار گرفتن مردم در اداره جامعه
		K5	توسعه‌ی مردم‌سالاری دینی مایه‌ی رشد و توسعه مادی و معنوی
		K24	افزایش مشارکت سیاسی مردم در همه شئون نظام
		p6	تصمیم‌گیران نهایی تمامی مسائل مردم در نظام اسلامی
		K26	افزایش مشارکت و رأی مردم پایه مشروعیت نظام اسلامی
۳) اصل عدالت اجتماعی	P21	تدوین قوانین در نظام اسلامی باید بر مبنای عدالت اجتماعی باشد.	
	K14	کاهش فاصله‌های طبقاتی و جغرافیایی و برابری در استفاده از امکانات و فرصت‌ها	
	K22	لزوم پیمانه‌سازی عدالت اجتماعی، مبارزه‌ی با ظلم و مبارزه‌ی با فساد است.	
	K23	یابندگی نظام اسلامی به آرمان عدالت اجتماعی و حرکت در مسیر عدالت	
	P17	پیشرفت‌های و خودکفایی و قوی شدن در حوزه اقتصاد، کشاورزی و صنعت تولید اقتدار و قدرت می‌کند	
۴) اصل اقتدار ملی و امنیت ملی	K18	پیشرفت‌های علمی تولید اقتدار و قدرت می‌کند (اقتدار علمی)	
	K20	علم، عامل ایجاد اقتدار اقتصادی، سیاسی و آبرو و کرامت ملی است	
	K1	ایجاد عناصر اقتدار ملی (قدرت: اقتصادی، نظامی، فرهنگی - اجتماعی، سیاسی، علمی - فناوری)	
	K4	توسعه و تعمیق عناصر اقتدار ملی و امنیت ملی	
	K13	شناخت توطئه دشمن در ناکارآمد نشان دادن کشور (مقابله با جنگ روانی)	
۵) اصل کارآمدی نظام سیاسی	K7	معیار قضاوت و ارزش‌گذاری درباره کارآمدی یا ناکارآمدی، نباید معیارهای غربی باشد.	
	K25	پاسخگویی مسئولین در مقابل مسئولیت خود (پاسخگویی)	
	P15	طراحی فرایند استفاده از مدیران شایسته و کارآمد، برخورد با مدیران نالایق (شایسته‌سالاری)	
	K12	طراحی سازوکار لازم برای ارزیابی عملکردها حکومت (ارزیابی عملکرد)	
	K11	ارتقای اثربخشی و کارایی اداری (اثربخشی عینی عملکرد)	

### اصول حاکم بر ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی

حکومت‌ها می‌بایست در فرآیند اعمال و تحقق آرمان‌ها، خود را مقید به اصولی نموده و نسبت به آنها پای‌بند باشند. این اصول، هنجارها و ارزش‌هایی هستند که در رویه نظام‌سازی بر حکومت و



روابط آن با مردم حاکم بوده و از تنوع و تکثر برخوردار هستند و بر اساس معیارهایی تقسیم‌بندی می‌شوند (رنجبر، ۱۳۹۵: ۱۲۶). تبیین اصول حاکم بر نظام‌سازی از آن جهت ضرورت دارد که فروع، جایگزین اصول نشوند. شایان ذکر است؛ از آنجا که این نوشتار مربوط به اصول و مؤلفه‌های پایه‌ای حاکم بر ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی می‌باشد، بنابراین، فقط به خطوط اساسی برخی از مهم‌ترین این اصول پرداخته می‌شود:

### ۱. مضمون سازمان‌دهنده "کارآمدی نظام سیاسی"

کارآمدی<sup>۱</sup> یکی از مفاهیم بنیادی در اندیشه سیاسی است که امروزه، در نظام‌های سیاسی، بسیار بر آن تأکید می‌شود و یکی از اصول و شاخص‌های اصلی مشروعیت حکومت اسلامی، مسئله کارآمدی است. مسئله کارآمدی ارتباط مستقیمی با مشروعیت‌یابی نظام سیاسی دارد و یک نظام سیاسی به واسطه کارآمدی می‌تواند مشروعیت خود را اثبات کند. در یک تعریف، کارآمدی به ایفای بهینه کارویژه‌های حکومت اطلاق می‌شود؛ بنابراین، کارآمدی لازمه بقا و پویایی نظام‌های سیاسی و فرآیندی برای سنجش جریان مشروعیت در آن نظام است. در واقع، ارتقای کارآمدی حکومت اسلامی، یکی دیگر از ارکان اصلی ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی است.

کارآمدی و کارکرد مدیران در حکومت اسلامی مهم‌ترین و تأثیرگذارترین حوزه‌ای است که در فرآیند دستیابی به ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی و تحقق آرمان‌ها خود را نشان می‌دهد. در دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری نقش مردم و مدیریت نظام اسلامی همراه و همگام دیده شده است؛ اما بر واقع‌بینی و آرمان‌گرایی و عملکرد مفید در عرصه مدیریت کلان و جزیی نظام تأکید داشتند؛ زیرا پس از منصب رهبری کارگزاران نظام می‌توانند از لحاظ جنبه‌های مثبت و منفی در تمام ابعاد زندگی مردم اثرگذار باشند. نگاه مقام معظم رهبری به مقوله کارآمدی نظام، بسیار اساسی است؛ تا آنجا که ایشان کارآمدی مسئولان نظام را شرط مشروعیت آنها می‌داند و میان مشروعیت و کارآمدی، پیوند برقرار می‌کند (بیانات، ۱۰۶/۳۱/۸۳). این رکن به‌نوعی، مکمل چهار رکن اصلی دیگر است؛ یعنی کارآمدی، عنصری است که تضمین‌کننده حکومت اسلامی است.

### ۲. مضمون سازمان‌دهنده "وحدت کلمه و همبستگی ملی"

وحدت و همبستگی، ضرورتی فطری، عقلی، شرعی، سیاسی و اجتماعی است که از مهم‌ترین عوامل حفظ، بقا، استحکام و استمرار بخشی اجتماع و مدینه انسانی است و بشر نه تنها برای بقای

حیات جمعی بلکه برای برخورداری از یک زندگی مطلوب، چاره‌ای جز پذیرش آن ندارد. در اندیشه امام خمینی (ره) - معمار بزرگ انقلاب اسلامی - وحدت ملی برای حفظ کشور، به غارت نرفتن منافع ملی، انسجام و اتحاد اسلامی، برای حفظ عزت مسلمانان و ضربه نخوردن اسلام و قرآن و اتحاد بین مستضعفان برای مبارزه با استکبار ضرورت حیاتی دارد. ایشان بارها و بارها بر اتحاد برای پیروزی مسلمانان تأکید نموده و میوه‌های وحدت را پیروزی، نابودی دشمنان، شکوفایی، پیشرفت کشور و مسلمانان و ... برمی‌شمرد. ایشان همچنین، وحدت را علت محدثه و مبقیه نظام اسلامی و اسلام و ضامن بقای مسلمانان دانسته‌اند (جمشیدی و محمدی، ۱۳۸۹: ۵۹) و آن را عامل قدرت و تفرقه را موجب سستی پایه دیانت تلقی کرده و یکی از راهکارهای اساسی وحدت اسلامی را ایجاد حکومت اسلامی می‌دانست. امام خمینی (ره) در بیان مفهوم وحدت، دو نکته باهم‌بودن و اجتماع داشتن و اعتصام در راه حق را مطرح می‌کنند و اعتقاد دارند که وحدت حقیقی بدون اعتصام به حبل خدا معنا نخواهد داشت. وحدت از دیدگاه امام دارای دامنه وسیعی است و وحدت مستضعفان یا مسلمانان در راه اهداف کلی دینی و دستیابی به کمال و رشد مطرح می‌باشد. ایشان وحدت را از علل محدثه و رمز ماندگاری انقلاب اسلامی می‌دانستند. انسجام امت اسلامی در دیدگاه مقام معظم رهبری، به معنای فهم درد مشترک، دشمنی‌های مشترک و ظرفیت‌های مشترک می‌باشد و در این یک‌نوایی و همدلی است که وحدت، عینیت می‌یابد. مقام معظم رهبری به موضوع وحدت چنان اهمیت می‌دهند که آن را به‌عنوان مسئله‌ای استراتژیک و نه تاکتیکی معرفی نموده و همواره علما، روشنفکران، برجستگان سیاسی و آحاد امت اسلامی را به وحدت ذیل دستورات و آموزه‌های قرآن کریم و ارادت و محبت به پیامبر اسلام دعوت می‌کنند. وحدت در نگاه مقام معظم رهبری به معنای نبودن تفرقه، درگیری و کشمکش است. از دیدگاه امام خمینی (ره) تحقق جمهوری اسلامی به‌عنوان حکومتی مطلوب و شایسته برای جامعه انقلابی ما نیز حاصل این وحدت بود و بنابراین، حفظ آن نیز برای بقای این وحدت لازم و ضروری است. در واقع، وحدت ضرورت تشکیل حکومت و تشکیل حکومت عامل ضروری برای حفظ وحدت است و این دو ملازم یکدیگر هستند. حکومت عدل الهی با اعتصام به حبل الله و برای ایجاد و استمرار این اعتصام به وجود می‌آید. به تعبیر امام (ره)، وحدت برای حفظ نظام لازم است و حکومت برای تأمین وحدت ضروری است (جمشیدی، ۱۳۷۸: ۴۳).

### ۳. مضمون سازمان دهنده "مردم‌سالاری دینی"

در آرا و اندیشه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، مردم‌سالاری دینی نقشی بی‌بدیل در ارتقای

مشروعیت نظام سیاسی دارد. مقام معظم رهبری ضمن تبیین شاخص‌های بارز مکتب سیاسی امام خمینی (ره) از مردم به‌عنوان یک شاخص یاد می‌کند که مورد توجه تام امام خمینی (ره) بوده است. در مکتب سیاسی امام و رهبری، مردم، هم ارزشمند و دارای کرامتند و هم قدرتمند و کارساز می‌باشند. نتیجه ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره سرنوشت بشر و یک جامعه، آرای مردم باید نقش اساسی ایفا کند؛ از این رو، مردم‌سالاری در مکتب سیاسی امام خمینی (ره) که از متن اسلام گرفته شده است، مردم‌سالاری حقیقی است. مردم با رأی، اراده، خواست و با ایمان راه خود و مسئولان خود را انتخاب می‌کنند. مقام معظم رهبری اوج مردمی بودن حکومت امام خمینی (ره) را در به رأی گذاشتن قانون اساسی در اوایل انقلاب می‌داند و معتقد است که رأی مردم تعیین‌کننده است و این به دلیل کرامت آنهاست که به واسطه دین از ناحیه خداوند متعال به آنان واگذار شده است. در مکتب سیاسی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، مردم‌سالاری از متن دین برخاسته است؛ از «امرهم شوری بینهم» (شورا: ۳۸) و «هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین» (بیانات، ۱۴/۱۳۸۳).

#### ۴. مضمون سازمان‌دهنده "اقتدار ملی و امنیت ملی"

نخستین و مهم‌ترین هدف هر نظام سیاسی از جمله نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تأمین امنیت ملی است. توان و قدرت اداره کشور در جنبه‌های مختلف به‌ویژه در زمینه امنیت ملی موجب افزایش مقبولیت و رضایت مردم می‌شود و در واقع، کارآمدی نظام را افزایش می‌دهد. به قدرت دارای مشروعیت که از ناحیه یک حکومت برای تأمین و تحقق اهداف و منافع ملی کشور اعمال می‌گردد، "اقتدار ملی" گفته می‌شود. اقتدار ملی برآیند ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی همراه با شرافت انسانی است که می‌تواند باعث اعتلا و سربلندی جامعه در عرصه داخلی و بین‌المللی شود و امکان توطئه، تطمیع و تجاوز را از بیگانگان بگیرد (جهانتاب، ۱۳۸۵: ۳۲). اقتدار، قدرت نهادی شده با حق مشروع برای نفوذگذاری با هدایت رفتار دیگران بوده و بر سه اصل مشروعیت، رضایت و پشتیبانی همگان در قالبی قانونی مبتنی است (گروه مطالعات امنیت ملی، ۱۳۹۰: ۴۵). از نظر امام خمینی (ره)، اقتدار ملی در پیوستگی حکومت و مردم است. ایشان معتقدند که یک دولت در صورتی می‌تواند مقتدر باشد که مورد حمایت مردم بوده و به توانایی‌های آنها متکی باشد (صحیفه امام، ۵: ۹۸). اقتدار ملی، متضمن وجود عناصر فعال و با صلاحیتی است که بتوانند با ایفای نقش خود برای نظام، در دو بعد داخلی و خارجی کسب اعتبار و اقتدار کنند. مراجعه به اسناد بالادستی به‌ویژه بیانات مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که اهمیت و نقش اقتدار همواره

مورد تأکید قرار گرفته است. ایشان می‌فرمایند: «سه عامل اساسی اقتدار ملی اینها است: اقتصاد قوی و مقاوم، علم پیشرفته و روزافزون و حفظ روحیه انقلابی‌گری در همه به‌خصوص در جوان‌ها. اینها است که می‌تواند کشور را حفظ کند؛ آن وقت دشمن مایوس خواهد شد» (بیانات، ۹۴/۶/۱۸).

## ۵. مضمون سازمان‌دهنده "عدالت اجتماعی"

امام خمینی (ره) عدالت را یکی از مهم‌ترین ارزش‌های جوامع بشری در همه اعصار و مکان‌ها می‌داند. تأکید و تکرار ایشان بر مفهوم عدالت و مضامین نزدیک به آن در آثار ایشان، گواه آن است که از یک‌سو، عدالت در نزد امام دارای ارزش زیادی بوده و از سوی دیگر، مواردی همانند ظلم، جور و... به‌شدت مورد نفی و طرد واقع شده‌اند. سیری در صحیفه امام خمینی (ره) بیانگر آن است که مفاهیمی از قبیل عدالت ۴۲۰ بار، عدل ۳۴۶ بار، محروم ۳۸۹ بار، محرومان ۱۰۵ بار، محرومین ۸۶ بار، مستضعفان ۳۱۰ بار، مستضعف ۲۵۵ بار، فقیر ۱۳۸ بار، فقرا ۱۲۵ بار، فقر ۱۱۳ بار، و مصادیق مشابه دیگر نیز بارها به شکل اثباتی تأکید و بر لزوم توجه به آنها بسیار توصیه شده است. در کنار اینها، مواردی همچون جور ۸۳۸ بار، ظلم ۸۱۲ بار، فساد ۷۸۲ بار و ستم ۲۰۷ بار به‌گونه سلبی خاطر نشان و بر حذف و ریشه‌کنی آنها از عرصه جامعه پافشاری گردیده است (آقایور، ۱۳۸۴: ۷۱). عدالت به‌عنوان یکی از مقاصد و آرمان‌های اصلی حکومت اسلامی و رهبران آن بوده و هست و این عنصر نقش و جایگاهی مهم در اندیشه و عمل آنان داشته است. عدالت که از اصول دین مبین اسلام است، یکی دیگر از شاخصه‌های عمده مشروعیت نظام اسلامی است. قرآن در آیه ۱۳۵ سوره نساء به عدالت‌ورزی امر می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» و در جایی دیگر، غایت ارسال پیامبران را اقامه عدالت معرفی می‌کند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). در این آیه، عدالت را وصف کل مردم آورده است که خود، دلیل اهمیت بسیار حضور روح عدالت‌ورزی در تمدن اسلامی است. در تاریخ یکی از عوامل اصلی زوال تمدن‌ها، ظلم بوده است که نقطه مقابل عدالت است؛ بر این اساس، در اندیشه مقام معظم رهبری، زوال تمدن‌ها معلول انحراف‌هاست و تمدن‌ها بعد از آنکه به اوج می‌رسند، به دلیل ضعف‌ها و خلأها و انحراف‌های خود، رو به انحطاط می‌روند و اکنون، نشانه این انحطاط در تمدن غربی قابل مشاهده است؛ به طوری که تمدن علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت است. ایشان در جایی دیگر، از عدالت اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام خمینی (ره) یاد می‌کند و معتقد است که باید عدالت اجتماعی و پُر کردن شکاف‌های طبقاتی در همه برنامه‌های حکومت، در قانون‌گذاری،

در اجرا و در قضا مورد نظر و هدف باشد. به اعتقاد ایشان، اگر ما بگوییم که کشور را ثروتمند می‌کنیم اما ثروت‌ها در گوشه‌ای به نفع یک عده انبار شود و عده کثیری از مردم نیز دست‌شان خالی باشد، با مکتب سیاسی امام نمی‌سازد. پُر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهم‌ترین و سخت‌ترین مسئولیت است و همه برنامه‌ریزان، قانون‌گذاران، مجریان و همه کسانی که در دستگاه‌های گوناگون مشغول کار هستند، باید این موضوع را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حرکت خود به حساب آورند. ایشان در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی درباره عدالت اجتماعی می‌فرمایند: «از همه این شاخص‌ها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است؛ یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ‌وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشورهایی هستند که شاخص‌هایشان خیلی خوب است، مطلوب است، رشد اقتصادیشان خیلی بالا است؛ لکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است. ما این را به هیچ‌وجه منطبق با خواست اسلام و اهداف جمهوری اسلامی نمی‌دانیم؛ بنابراین، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ما، شاخص عدالت اجتماعی است. باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهره‌مند بشوند» (بیانات، ۱۳۷۹/۷/۱۴ و ۱۳۸۳/۳/۱۸ و ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

### نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش‌گویی آن است که تدوین الگوی راهبردی ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی، یکی از کارهای مهم و درعین حال، ضروری برای آسیب‌شناسی هر نظام سیاسی است. هر حکومتی برای اینکه بتواند به اهداف و آرمان‌های اعلامی خود دست یابد، بی‌تردید، باید در مراحل مختلف، به ارزیابی و آسیب‌شناسی راه‌رفته خود پرداخته و با برنامه‌ریزی دقیق در جهت حفظ، تثبیت و رسیدن به اهداف خود حرکت کند. در این راستا، طرح موضوع اصول و مؤلفه‌های ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی از این حیث اهمیت دارد که ارتقای مشروعیت موجب استحکام و استمرار بخشی هر چه بیشتر حکومت می‌شود و کم‌توجهی یا نپرداختن به این موضوع می‌تواند زمینه تضعیف بنیان‌های حکومت را فراهم آورد. پرسش تحقیق حاضر در خصوص اصول و مؤلفه‌های ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی مبتنی بر آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بود و اینکه چگونه می‌توان الگوی مواجهه با آن را صورت‌بندی نمود. طبق نتایج پژوهش، کلیت اصول مستخرج در چارچوب پنج مضمون اصلی اصل وحدت کلمه و همبستگی ملی، اصل مردم‌سالاری

دینی، اصل عدالت اجتماعی، اصل اقتدار ملی و امنیت ملی و اصل کارآمدی نظام سیاسی؛ و ۲۶ مؤلفه فرعی سازماندهی شده‌اند. بدین ترتیب، ترکیبی از اصول و مؤلفه‌های سلبی و ایجابی در سطح کلان حکومت اسلامی و بخش‌های زیرمجموعه نظام به‌عنوان راهبردهای موردقبول امامین انقلاب اسلامی مورد تأکید قرار گرفته‌اند و مقام معظم رهبری، لزوم استخراج و بررسی این اصول و مؤلفه‌ها را به دفعات مطالبه نموده‌اند. خلاصه یافته‌های مقاله را می‌توان در قالب شکل شماره ۳ ترسیم کرد:



شکل ۳. الگوی راهبردی ارتقای مشروعیت حکومت اسلامی مبتنی بر آراء و اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری

## فهرست منابع

### منابع فارسی

#### - قرآن کریم

- بشریه، حسین (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر نی
- جمال زاده، ناصر و همکاران (۱۳۹۷)، "مؤلفه‌های مانایی انقلاب اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری"، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره ۱، صص ۵۴-۷۱
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۱)، عدالت اجتماعی در اندیشه امام (ره)، قم، پژوهشکده باقرالعلوم
- خمینی، روح‌اله (۱۳۷۴)، ولایت فقیه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- همو (۱۳۷۰)، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- دال، رابرت (۱۳۶۴) تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین ظفریان، تهران، نشر مترجم
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغتنامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- رنجبر، احمد (۱۳۹۵)، عدالت اداری، تهران، بنیاد حقوق میزان
- روسو، ژان ژاک (۱۳۶۸)، قرارداد‌های اجتماعی، ترجمه زیرک زاده، تهران، انتشارات ادیب
- سلمانی قهپازی، احمد (۱۳۸۸)، طراحی الگوی راهبردی ارتقای بهره‌وری سازمان حفاظت اطلاعات ارتش ج.ا.ا، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی
- سورین، ورنر؛ تانکارد، جیمز (۱۳۸۶)، نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه علیرضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- شبان‌نیا، قاسم (۱۳۹۰)، "حقوق بشر در پرتو مشروعیت الهی حکومت اسلامی"، فصلنامه حکومت اسلامی، سال شانزدهم، شماره ۴، صص ۱۰۲-۱۲۳
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۹)، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی
- لاریجانی، علی؛ غلامی ابرستان، غلامرضا (۱۳۹۰)، "رابطه اقتدار و مشروعیت در نظام سیاسی اسلام"، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۶۵-۷۳
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۵)، نظریه سیاسی اسلام، تحقیق و نگارش کریم سبجانی، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی
- نقیب زاده، احمد (۱۳۹۰)، تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل از پیمان وستفالی تا امروز، تهران، قومس

- همو (۱۳۷۲)، سیاست و حکومت در اروپا، تهران، سمت
- هیود، اندره (۱۳۸۳)، مقدمه نظریه سیاسی، ترجمه عبدالرحمان عالم، تهران، قومس
- وینسنت، اندرو (۱۳۷۱)، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی

#### منابع انگلیسی

- Braun, Virginia; Victoria Clarke (2006) Using thematic analysis in psychology, *Qualitative Research in Psychology*, 3, 77-101.
- Boyatzis, R.E (1998), *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*, Saga publications







پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی